

Jurisprudential and Legal Examination of the Nature, Provisions, and Effects of Independent Commercial Guarantees

1. Ruhollah Raisi*: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: roohollah.reisi@pnu.ac.ir (Corresponding Author)
2. Azam Ebrahimi: Assistant Professor, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

The issue of independent guarantees is one of the significant topics in commercial law that necessitates thorough discussion and analysis. The fundamental question addressed and examined in this regard concerns the jurisprudential and legal nature of the independent commercial guarantee, the parties involved, the governing legal relationships, and its effects. This research is descriptive-analytical in nature and employs a library-based method to explore the aforementioned question. The findings indicate that independent commercial guarantees possess a contractual nature and constitute a unique legal framework, distinct from other contracts. These guarantees fall under the category of non-nominate contracts and are governed by Article 10 of the Civil Code. Furthermore, the results demonstrate that the obligations arising from such guarantees are valid and independent of the mutual obligations between the beneficiary and the applicant under the principal contract, as well as independent from the obligations of the applicant towards the issuer. Any reference in the guarantee to the mutual obligations of the beneficiary and the applicant under the principal contract does not affect the independence of the guarantee. Additionally, the guarantor may request a guarantee from the principal debtor to secure reimbursement of the amounts paid under the guarantee. This type of guarantee, which is issued either by the principal debtor or at their request, is referred to as a counter-guarantee and, except in explicitly stated cases, is subject to the same provisions as the independent guarantee. The primary effects of the independent commercial guarantee include its impact on the relationship between the issuing bank and the beneficiary, its effect on the relationship between the issuing bank and the applicant, and its effect on third parties.

Keywords: *guarantee, independent guarantee, Commercial Bill, Article 10 of the Civil Code.*

How to cite: Raisi, R., & Ebrahimi, A. (2025). Jurisprudential and Legal Examination of the Nature, Provisions, and Effects of Independent Commercial Guarantees. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 161-177.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 16 November 2024
Revise Date: 14 December 2024
Accept Date: 30 December 2024
Publish Date: 26 July 2025



بررسی فقهی حقوقی ماهیت، احکام و آثار ضمانت‌نامه مستقل تجاری

۱. روح اله رئیسی*: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: roohollah.reisi@pnu.ac.ir
(نویسنده مسئول)

۲. اعظم ابراهیمی: استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

بحث ضمانت‌نامه‌های مستقل یکی از مباحث مهم حقوقی تجاری است که نیازمند بحث و بررسی است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که ماهیت فقهی حقوقی ضمانت‌نامه مستقل تجاری، طرفین و روابط حقوقی حاکم بر آن‌ها در این نوع ضمانت چگونه است و آثار آن چیست؟ تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر این امر است که ضمانت‌نامه‌های مستقل تجاری دارای ماهیت قراردادی و قالبی مستقل از سایر عقود هستند و در زمره عقود غیر معین و ماده ۱۰ قانون مدنی به شمار می‌آیند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که تعهدات ناشی از ضمانت‌نامه موضوع این باب، مستقل از تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره‌ای که در ضمانت‌نامه به تعهدات متقابل ذی‌نفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانت‌نامه وارد نخواهد کرد. همچنین ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت‌شده به موجب ضمانت‌نامه، از مضمون‌عنه تقاضای ضمانت‌نامه کند. این ضمانت‌نامه که به‌وسیله خود مضمون‌عنه یا به درخواست وی صادر می‌شود ضمانت‌نامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانت‌نامه مستقل است. اثر ضمانت‌نامه در فی‌ما بین بانک و ذی‌نفع، اثر ضمانت‌نامه در رابطه بانک صادرکننده و ضمانت‌خواه و اثر ضمانت‌نامه بر ثالث مهمترین آثار ضمانت‌نامه مستقل تجاری است.

واژگان کلیدی: ضمانت‌نامه، ضمانت‌نامه مستقل، لایحه تجارت، ماده ۱۰ قانون مدنی.

نحوه استناددهی: رئیسی، روح‌اله، و ابراهیمی، اعظم. (۱۴۰۴). بررسی فقهی حقوقی ماهیت، احکام و آثار ضمانت‌نامه مستقل تجاری. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۲)، ۱۶۱-۱۷۷.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۶ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۴ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۹ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ مرداد ۱۴۰۴

یکی از اصول حاکم بر قراردادهای ضمانت‌نامه بانکی، اصل استقلال از قرارداد پایه است. نتیجه منطقی و مهم اصل مذکور آن است که ایرادات مربوط به رابطه پایه میان متقاضی ضمانت‌نامه و ذی‌نفع، قابل استناد نبوده و بانک با توجه به تعهد مستقل خود در برابر ذی‌نفع، موظف به پرداخت بی‌قید و شرط ضمانت‌نامه است. گرچه ضمانت تاریخیچه‌ای به قدمت تجارت دارد، اما ضمانت‌نامه مستقل نهادی نوین و زاینده تحولات نوین تجاری است. ضمانت‌نامه بانکی، یکی از موارد حیاتی در عالم مالی و تجاری است که نقش اساسی در اطمینان از اجرای قراردادهای تعهدات مالی، و معاملات جاری ایفا می‌کند. این ابزار مالی، به عنوان یک تعهد نهایی از طرف بانک به صاحب کسب و کار یا شخص حقیقی، اعتبار و اعتماد فراوانی ایجاد می‌کند. برای نخستین بار این ضمانت‌نامه در بازار آمریکا پدیدار شد و از آغاز دهه هفتاد توانست در بانکداری بین‌المللی جایگاه مهمی به دست آورد. همین امر بررسی ماهیت فقهی و حقوقی آن را ضروری ساخته است. لازم است بررسی شود که ماهیت و احکام ضمانت‌نامه مستقل را چگونه می‌توان تحلیل و توجیه کرد. ضمانت‌نامه بانکی یک ابزار مالی است که توسط بانک صادر می‌شود و به فرد یا شرکتی (مستفیض) که درخواست می‌دهد (مشتري) امکان تضمین پرداخت و یا انجام یک تعهد مالی را در قبال یک معامله یا پروژه ارائه می‌دهد. این ضمانت‌نامه به عنوان یک تعهد رسمی و معتبر از طرف بانک به مستفیض معرفی می‌شود و به میزان و شرایط مشخص در ضمانت‌نامه اعتبار دارد. در حقوق ایران تا قبل از تصویب لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳، قانون منسجمی در ارتباط با ضمانت‌نامه مستقل، تدوین نشده بود و رویه قضایی نیز مرز مشخصی بین ضمانت مستقل و تبعی ترسیم نکرده بود و این مسئله تدوین یک چارچوب قانونی مدون، برای ضمانت‌نامه‌های مستقل را ضروری می‌ساخت. با تصویب لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳ این فرصت فراهم شد تا قانون‌گذار قوانین مربوط به ضمانت‌های مستقل را در آن بگنجانند. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های مستقل تجاری از منظر فقه و حقوق منطبق با کدام یک از نهادهای مشابه موجود است؟ طرفین ضمانت چه کسانی هستند و چه روابطی بر آن‌ها حاکم است و چه آثاری به دنبال دارد؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های مستقل بررسی شده و در ادامه از طرفین، روابط حقوقی آن‌ها و آثار ضمانت‌نامه مستقل تجاری بحث شده است.

۱. ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های مستقل

«ضمان نیز یکی از اعمال حقوقی و الزامات قراردادی است که ماهیت فقهی و نوع رابطه حقوقی آن معرکه آرا و نظریات علمای علم فقه بوده و در مورد آن اتفاق نظر وجود ندارد. البته در این مورد که ضمان از دایره الزامات خارج از قرارداد نیست، اختلاف نظر وجود ندارد و به اتفاق این تعهد را از مصادیق الزامات قراردادی می‌شمردند؛ اما در نوع این قرارداد که قالب عقدی دارد یا در قالب ایقاع می‌گنجد، اختلاف نظر وجود دارد. زیرا الزامات قراردادی منحصرأ باید بر یکی از این دو عنوان و قالب حقوقی منطبق باشد و به ناچار ضمان هم باید تحت یکی از این دو عنوان قرار گیرد» (Shahbazinia, 2004). در این قسمت به بررسی ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های مستقل پرداخته می‌شود.

۱-۱. عقد ضمان موضوع قانون مدنی

ذمه در معنی لغوی حقوقی، به معنای یک جایگاه است که در آن ضمانت، عهد و یا پیمان قرار داده می‌شود. ذمه، ادای یک مسئولیت است که بر عهده‌ی فرد قرار می‌گیرد. ضمان ذمه به ذمه، یعنی فرد ضمانت کننده با انعقاد کردن عقد، ضمان دین را بر ذمه خود انتقال داده است و در نتیجه مضمون عنه یا مدیون اصلی، بری می‌شود. در فقه امامیه اثر ضمان را نقل ذمه دانسته‌اند (Jabbai Ameli, 1991). انسان گاه در روابط

اقتصادی خود نیاز به انجام معامله دارد درحالی‌که مالی (عین خارجی) برای تبادل وجود ندارد، یا در مواردی قانون‌گذار قصد دارد تا بر مکلف غرامتی (جریمه) قرار دهد درحالی‌که آن شخص مالی ندارد (Sabit, 2002) و در این موارد انسان برای برطرف کردن این گونه نیازها، مفهوم «ذمه» را اعتبار کرده است. امام‌خمینی ذمه را مخزن و انباری برای امور اعتباری و دیون دانسته است (Mousavi Sabzevari, 1994). کتب لغوی، «ذمه» را با واژه‌هایی همچون عهده، ضمان، التزام، دین تعریف کرده‌اند. درحالی‌که به گفته برخی محققین این واژگان در اصطلاح، دارای معانی متفاوت و مستقل هستند (Mousavi Sabzevari, 1994). به عنوان مثال برخی فقیهان، کوشیده‌اند تفاوت ذمه و عهده را با دو واژه عین و دین مرتبط سازند (Mousavi Bojnordi & Moqaddai, 2013). برای مثال آن‌ها گفته‌اند هنگامی‌که شخص بابت امری ضامن مالی شود، اگر آن مال وجود خارجی داشته باشد (عین باشد)، از اصطلاح عهده استفاده شده و گفته می‌شود رد آن مال بر عهده شخص است. اما در صورتی‌که مالی در خارج موجود نباشد (دین باشد) از اصطلاح ذمه استفاده شده و گفته می‌شود رد آن مال بر ذمه شخص است. در مقابل برخی این ادعا را قبول نداشته و ذمه را هم ظرف عین و هم دین دانسته، و عهده را ظرف تکالیف دانسته است (Sabit, 2002).

قانون‌گذار ایران در ماده ۶۸۹ ق.م از آثار ضمان، بری شدن ذمه مدیون اصلی را مقرر نموده و از نظریه نقل ذمه به ذمه پیروی می‌نماید. «همچنین قانون مدنی علاوه بر ضمان نقل ذمه، در ماده ۶۹۹ و ۷۲۳ التزام به تأدیه دین را که می‌تواند معلق بر عدم تأدیه دین از سوی مدیون اصلی باشد را پذیرفته است. برخی معتقدند با توجه به این ماده، قانون‌گذار قصد داشته که با توجه به ضرورت‌های اجتماعی، علاوه بر پذیرش نظریه نقل ذمه به عنوان اصل کلی، راه را بر ضمان ضم نیز باز بگذارد» (Ghamami, 1999). «اما ایراداتی به این نظر وارد است: ۱. اثر عقد ضمان مطابق قانون مدنی نقل ذمه است اما ضمانت‌نامه مستقل بانکی چنین اثری ندارد بلکه تعهد بانک به موجب ضمانت‌نامه، یک تعهد اصلی و مستقل است که ابتدائاً برای خود بانک ایجاد می‌شود ۲. تعهد ضامن در نظام قانون مدنی تعهدی تبعی است و از حیث شرایط، تابع دین مضمون‌عنه به مضمون‌له است. از این رو لازم نیست در قرارداد ضمانت جزئیات تعهد ضامن روشن باشد (ماده ۶۹۴ ق.م) و همچنین تعهد ضامن از حیث حدوث و بقا، وابسته به تعهد مدیون اصلی می‌باشد. در ضمانت‌نامه بانکی چنین وضعی وجود ندارد. امروزه اصل استقلال تعهد ضامن از قرارداد پایه، در رویه و مقررات بین‌المللی کامل پذیرفته شده است، از این رو برخلاف ضمان عقدی، در ضمانت‌نامه بانکی بایستی جزئیات تعهد بانک ضامن، ذکر گردد» (Shahbazinia, 2004). با توجه به آنچه گفته شد، ضمانت‌نامه مستقل بانکی اعم از داخلی و بین‌المللی از جهات متعددی متفاوت از ضمان عقدی مقرر در قانون مدنی می‌باشد، به گونه‌ای که اعمال قواعد حاکم بر ضمان عقدی در مورد ضمانت‌نامه‌های بانکی، در بسیاری از موارد منجر به بطلان آن‌ها خواهد شد.

۱-۲. عقد ضمان موضوع قانون تجارت

در قانون تجارت، م ۲۴۹ ق.ت درباره مسئولیت تضامنی برات‌کش، قبول کننده برات و ظهرنویس‌ها در برابر دارنده تصریح دارد و بنا بر ماده ۳۱۴ ق.ت مقررات مرتبط با ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها در برات، شامل چک نیز می‌شود. و همچنین قانون تجارت در مواد ۴۰۲ تا ۴۱۱ به ضمانت پرداخته است و به نظر می‌رسد ۴۰۲ گرچه ضم ذمه به ذمه را پذیرفته است اما مبنا را مسئولیت تضامنی قرار نداده است و مضمون له فقط در صورتی حق رجوع به ضامن را دارد که به مدیون اصلی رجوع کرده باشد و نتواند طلب خویش را وصول نماید و ماده ۴۰۳ اصل تضامن را مورد تأکید قرار داده است (Mafi & Farzanegan, 2016). با توجه به قوانین و نظرات مختلف گروهی معتقدند که قانون تجارت دو نوع ضمان ضم ذمه را پیش‌بینی کرده است یکی ضمان ضم ذمه طولی و ضمان تضامنی. «طبق مواد فوق، عقد ضمان تجاری موجب ضمیمه شدن ذمه‌ی ضامن به ذمه‌ی مضمون‌عنه می‌شود. ضمان مندرج در این مواد، یک تعهد تبعی است. بنابراین همانند ضامن مدنی،

ضامن تجاری نیز می‌تواند به ایراداتی متوسل شود که در قرارداد پایه بین مضمون عنه و مضمون له وجود دارد» (Ziaei & Moieni Far, 2013). اما به این دیدگاه، ایراداتی وارد است. از جمله اینکه ضمانت موجود در قانون تجارت نیز تبعی محسوب می‌شود و حدود و شرایط تعهد ضامن با مراجعه به تعهد مورد تضمین تعیین می‌گردد، درحالی‌که در ضمانت‌نامه بانکی بین‌المللی، تعهد بانک (ضامن)، مستقل از قرارداد پایه است و حدود و شرایط آن با مراجعه به متن و مفاد خود ضمانت‌نامه تعیین می‌شود.

۱-۳. ایقاع بودن ضمانت‌نامه‌های مستقل

از دیدگاه برخی فقها، «ضمان تعهد مالی است که وابسته به تعهد کننده است و کسی دیگر در آن نقش ندارد؛ از این رو، مفهوم ضمان از مفاهیم ایقاعی است نه عقدی» (Mousavi Sabzevari, 1994)؛ «طرفداران ایقاع بودن ضمانت‌نامه‌های مستقل، تعهد بانک به موجب ضمانت‌نامه‌های بانکی را، ماهیتاً ایقاع می‌دانند و بر این اعتقادند که الزام‌آور بودن تعهد مذکور نشأت گرفته از اعلام یک‌طرفه بانک مبنی بر متعهد کردن خود در مقابل ذی‌نفع است، که این اعلام یک‌طرفه به شکل ابلاغ مفاد و شروط ضمانت‌نامه به ذی‌نفع صورت می‌گیرد، مطابق این نظریه در صدور ضمانت‌نامه قبول و رضایت ذی‌نفع شرط نیست و تعهد یک‌جانبه بانک الزام‌آور است و با توجه به عدم ضرورت حقوق قبولی ذی‌نفع به اعلام یک‌طرفه بانک، زمان لازم‌الاجرا شدن تعهد و شیوه آن، همان است که در ضمانت‌نامه معین می‌شود و از تاریخ صدور سند ضمانت آغاز می‌شود. نظریه ایقاع بودن ضمانت‌نامه مستقل در کشور بلژیک دیدگاه غالب را تشکیل می‌دهد و رویه قضایی این کشور نیز به همین سمت و سو گرایش دارد» (Shahbazinia, 2004).

۱-۴. تعهد قراردادی

ضمان یا عقد ضمان در فقه و حقوق ایران به معنای بر عهده گرفتن مالی است که بر ذمه دیگری است. «در فقه، بر عقد بودن ضمان ادعای اجماع شده است» (Mohaghegh Karki, 2008). ضمان، التزام به پرداخت دین ثابت دیگری از طرف شخص غیر مدیون به آن شخص است. «در فقه با توجه به قاعده اصالة اللزوم، لزوم عقد ضمان مورد پذیرش قرار گرفته، به نحوی که هیچ‌یک از ضامن و مضمون له حق فسخ عقد را ندارند، باین حال در مواردی به مضمون له اجازه فسخ عقد داده شده است، همچنین برای وقوع عقد نیز ضامن و مضمون له باید واجد شرایط عقد لازم از قبیل بلوغ و عقل و اختیار باشند» (Mousavi Khomeini, 2020). «بنا به اجماع فقها، در مورد اعسار ضامن در زمان عقد، در صورت عدم اطلاع مضمون له از اعسار وی، مضمون له حق فسخ خواهد داشت» (Montazeri, 1994). عقد ضمان میان دو نفر که یکی از آنها طلبکار و دیگری ضامن است، بسته می‌شود. در حقیقت، ضامن به طلبکار پیشنهاد می‌دهد که حاضر است بدهی بدهکار را تقبل کند و طلبکار نیز اختیار دارد که این پیشنهاد را بپذیرد یا آن را رد کند. در صورت پذیرش، عقد ضمان میان این دو شخص منعقد می‌شود. بر همین اساس، «گروهی از دکتربین‌المللی تعهد بانک به موجب ضمانت‌نامه را، تعهد ناشی از قرارداد اجتماعی می‌دانند که با ایجاب و قبول محقق می‌شود. مطابق این نظریه صدور ضمانت‌نامه صرفاً به منزله ایجاب از ناحیه بانک است که برای الزام‌آور شدن، بایستی قبول ذی‌نفع بدان ملحق شود» (Shahbazinia, 2001). «از طرف دیگر قبولی ایجاب برابر قواعد کلی قراردادها می‌تواند به صورت ضمنی واقع شود. در ضمانت‌نامه‌ها رویه غالب این است که با توجه به پیش‌بینی ضمانت‌نامه در قرارداد پایه بین ذی‌نفع و ضمانت خواه، ذی‌نفع انتظار صدور ایجاب از سوی بانک کارگزار ضمانت خواه را دارد و صرف همین که به آن اعتراض نمی‌کند به منزله قبول ضمنی ایجاب است. حتی اگر این استدلال پذیرفته نشود، مطالبه وجه ضمانت از سوی ذی‌نفع مطمئناً ثابت می‌کند که ایجاب بانک مورد قبول ذی‌نفع قرار گرفته است. رویه قضایی و دکتربین‌المللی معتقد به دیدگاه قراردادی بودن ضمانت‌نامه است که طبق آن قرارداد ضمانت‌نامه با ایجاب بانک و قبول ضمنی ذی‌نفع

تشکیل می‌شود. در حقوق ایران موضوع عقد یا ایقاع بودن ضمانت‌نامه‌های بانکی مطرح شده است، برخی، ایقاع بودن ضمانت‌نامه را پذیرفته‌اند و رضای مضمون له را لازم نمی‌دانند و ضمان را نیازمند رضایت دائن می‌دانند. این در حالی است که در قانون مدنی دیدگاه عقدی بودن ضمان را در خصوص ضمان مدنی می‌توان مشاهده کرد که نظریه پذیرفته شده است» (Kashani, 1991).

برخی از حقوق‌دانان تمایل بدان دارند که ضمانت‌نامه مستقل را براساس ماده ۱۰ قانون مدنی و در قالب عقود نامعین تحلیل و بررسی کنند. به عقیده این دسته از نویسندگان «از آنجایی که بسیاری از قواعد حاکم بر ضمانت‌نامه ناشی از توسعه و اصلاح قواعد داخلی در مورد نهادهای مشابه است و یک‌نهاد بین‌المللی و فراملی است. بنابراین نباید دقیقاً همانند نهادهای ملی با این پدیده برخورد کرد بلکه باید آن را در سطح فراملی بررسی نمود و در اعمال قواعد ملی نسبت به آن‌ها ویژگی‌های خاص ضمانت‌نامه را لحاظ کرد» (Shahbazinia & Tafreshi, 2003).

بنابراین اگر تحلیل ضمانت‌نامه بر مبنای حقوق داخلی کشورمان ضروری باشد، مبنای این تحلیل ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی است. به نظر می‌رسد این تحلیل، بسیاری از اشکالات وارده را پاسخ می‌دهد. «چون در حقوق ما ضوابط و مقررات حاکم بر ضمانت مستقل توسط قوانین موضوعه تشریح نشده است و فقط مجوز صدور آن توسط بانک‌ها در قانون پولی و بانکی کشور و قانون عملیات بانکی بدون ربا بیان شده است» (Mostafavi & Afsharnia, 2011) که البته با تصویب لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳ توسط مجلس، این مشکل نیز تا حدی مرتفع خواهد شد. البته باید در نظر داشت این قانون از ماهیت ضمانت‌نامه‌های مستقل سخنی به میان نیاورده اما در سایر جنبه‌ها توانسته است تا حدی مشکل عدم قانون‌گذاری در این خصوص را مرتفع سازد. در نهایت، در شرایط موجود، بهترین تحلیل در مورد ماهیت ضمانت‌نامه‌های مستقل، تحلیل بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده‌ی افراد است.

در ماده ۲۸۱ لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳ مقرر شده است: «ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون‌عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون‌له) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمون‌عنه و مضمون‌له برعهده می‌گیرد». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳، ضمانت‌نامه را به گونه‌ای تعریف کرده است که ماهیت قراردادی دارد و به همین دلیل است که براساس این تعریف، ضمانت‌نامه با موافقت ذینفع صادر می‌گردد. با توجه به ماده مورد اشاره، در لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳، دولت، ضمانت مستقل را نوعی قرارداد می‌داند. ملاحظه می‌شود که در این ماده، ضرورتی به ورود به مسئله ماهیت ضمانت مستقل ندیده است، با توجه به تمام مطالب فوق، به نظر می‌رسد ضمانت‌نامه‌ی مستقل از ماهیت قراردادی برخوردار است و با اصول کلی حقوق تعهدات کشورهای مختلف راجع به عقود، انطباق دارد؛ بدین معنا که قرارداد ضمانت در نتیجه‌ی ایجاب غالباً غیرقابل بازگشت بانک و قبولی معمولاً ضمنی ذینفع تشکیل می‌گردد. «در خصوص چگونگی احراز قبولی ضمنی ذینفع می‌توان چنین استدلال نمود که از یک طرف چون صدور ضمانت‌نامه در قرارداد پایه بین ذینفع و ضمانت خواه پیش‌بینی شده است، ذینفع منتظر آن است و از طرف دیگر، ضمانت‌نامه صرفاً شامل مزایا و منافع برای ذینفع است و هیچ گونه تعهدی را برای وی در بر ندارد. از این رو اگر ذینفع ظرف مهلت متعارفی بعد از دریافت ضمانت‌نامه، به مفاد و شرایط آن اعتراض نکند، بایستی قبول ایجاب از سوی وی مفروض تلقی شود. پس از مهلت متعارف مذکور نه فقط بانک، بلکه ذینفع هم به‌طور قراردادی ملزم به مفاد ضمانت‌نامه می‌باشد و نمی‌تواند تغییر یا اصلاح آن را درخواست نماید» (Masoudi, 2003a, 2003b).

۲. طرفین ضمانت‌نامه‌های مستقل تجاری

طرفین ضمانت‌نامه‌های مستقل تجاری عبارتند از:

۲-۱. ضامن

اولین رکن از ارکان ضمانت، ضامن است و کسی است که پرداخت دین مدیون به طلبکار را در صورت استتکاف مدیون از پرداخت آن، می‌پذیرد. ضامن باید دارای اهلیت باشد، یعنی از نظر قانونی، از عقل و بلوغ و رشد، برخوردار بوده و سفیه نباشد. بر اساس ماده ۲۸۳ لایحه تجارت ۱۴۰۳ «ضامن می‌تواند برای تضمین بازپرداخت مبالغ پرداخت‌شده به موجب ضمانت‌نامه، از مضمون^۱ عنه تقاضای ضمانت‌نامه کند. این ضمانت‌نامه که به وسیله خود مضمون^۲ عنه یا به درخواست وی صادر می‌شود ضمانت‌نامه متقابل نام دارد و جز در موارد مصرح تابع احکام ضمانت‌نامه مستقل است».

ضمان کسی است که پرداخت وجه یا مالی را که بر عهده دیگری است، بر عهده بگیرد و بدین ترتیب، مسئولیت پرداخت دین یا انجام تعهد، به‌طور کامل، از ذمه بدهکار اصلی، برداشته‌شده و به ذمه ضامن، منتقل خواهد شد و طلبکار، صرفاً، حق مراجعه به ضامن را خواهد داشت. ضامن نیز، پس از پرداخت، تنها در صورتی می‌تواند به بدهکار اصلی، مراجعه کند که عقد ضمانت را با اذن او، منعقد کرده باشد یا بدهکار، مسئولیت پرداخت را پس از پرداخت دین، توسط ضامن، تعهد نموده باشد. البته در عرف، ضمانت ضامن، این‌گونه است که تضمین می‌دهد که در صورت استتکاف بدهکار از پرداخت بدهی یا برگرداندن مال، او مسئول پرداخت و بازگرداندن خواهد بود و طلبکار، می‌تواند، پس از مراجعه به بدهکار اصلی و استتکاف بدهکار از پرداخت، به او (ضامن)، رجوع کرده و طلب یا مال خود را از او، مطالبه نماید. شایان‌ذکر است، مستفاد از ماده ۲۶۷ قانون مدنی، در صورتی که ضامن، شخصاً و بدون اذن مدیون، در خارج از موعد، اقدام به پرداخت بدهی او کند، حق مراجعه به مدیون را نخواهد داشت.

۲-۲. ذی‌نفع

ذی‌نفع ضمانت‌نامه شخصی است که حق مطالبه وجه ضمانت‌نامه را دارد، برای شناخت و تشخیص هر چه بهتر ذی‌نفع و مسائل مربوط به آن به تفسیر خواهیم پرداخت. مطابق ماده ۲۸۴ لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳: «تعهدات ناشی از ضمانت‌نامه موضوع این مبحث، مستقل از تعهدات متقابل ذینفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است. هرگونه اشاره‌ای که در ضمانت‌نامه به تعهدات متقابل ذینفع و متقاضی ناشی از قرارداد اصلی گردد، خللی به مستقل بودن ضمانت‌نامه وارد نخواهد کرد.» «عرف بانکداری بین‌الملل ذی‌نفع را شخصی می‌داند که نام و مشخصات او در متن ضمانت‌نامه قیدشده و ضمانت‌نامه او را به‌عنوان ذی‌نفع شناخته است. نقش ذی‌نفع در قرارداد مبنای صدور ضمانت‌نامه به اعتبار انواع ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی متفاوت است با وجود این تنوع شخصیت و نقش ذی‌نفع در قرارداد مبنای صدور ضمانت‌نامه موجب ایجاد تنوع و پیچیدگی نقش او در ضمانت‌نامه نیست» (Nazafatian, 1990).

یکی از مهم‌ترین حقوق ذینفع در ضمانت‌نامه‌های مستقل، حق انتقال است. انتقال ضمانت‌نامه گاهی به‌صورت انتقال ضمانت‌نامه است، گاهی به‌صورت انتقال ضمانت‌نامه به همراه قرارداد پایه است و گاهی نیز صرفاً انتقال عواید ناشی از ضمانت‌نامه توسط ذینفع به ثالث است. مطابق ماده ۲۹۳ لایحه تجارت مصوب ۱۴۰۳: «ضمانت‌نامه مستقل در صورتی قابل انتقال است که صراحتاً عبارت قابل انتقال در آن درج شده باشد. انتقال ضمانت‌نامه با موافقت صادرکننده و پس از اخطاریه انتقال‌دهنده به ضامن مبنی بر اینکه انتقال گیرنده جانشین حقوق و تعهدات او در رابطه پایه شده است محقق خواهد شد». بر اساس ماده ۲۹۴ لایحه «هر یک از اطراف ضمانت‌نامه مستقل، می‌تواند برای انجام وظایف و اختیارات خود به سایر طرف‌های ضمانت یا اشخاص ثالث فقط به‌طور رسمی وکالت دهد». همچنین مطابق ماده ۲۹۵ آن: «در صورتی که

صادرکننده یا هر شخص دیگری که باید مبلغ ضمانت‌نامه را پرداخت کند، از سوی ذینفع اختطاری مبنی بر انتقال ضمانت‌نامه به شخص ثالث دریافت کند و براساس آن تمام یا بخشی از مبلغ ضمانت‌نامه را به وی بپردازد، به همان میزان از تعهدات ناشی از ضمانت‌نامه بری می‌شود». در مورد صرف انتقال ضمانت‌نامه، بدون انتقال قرارداد پایه، این انتقال صحیح نیست؛ چراکه با توجه به کارکرد اصلی ضمانت‌نامه که تضمین اجرای تعهدات قراردادی است، ذینفع فقط در صورتی که تخلف مضمون‌عنه از تعهدات مذکور می‌تواند وجه ضمانت‌نامه را مطالبه کند و اگر شخصی نسبت به قرارداد پایه دارای حقی نباشد، نسبت به ضمانت‌نامه که برای تضمین تعهدات مندرج صادر شده است نیز حقی ندارد (Masoudi, 2003b) «اما اگر انتقال ضمانت‌نامه به همراه انتقال قرارداد پایه باشد، این انتقال فاقد ایراد بوده و ذینفع جدید جانشین و قائم‌مقام ذینفع سابق شده و تمامی حقوق و تعهدات قرارداد پایه و ضمانت‌نامه به وی منتقل می‌شود. البته در این مورد نیز رضایت مضمون‌عنه و ضامن (بانک) لازم است؛ چراکه نمی‌توان آن‌ها را ناخواسته با فردی روبه‌رو کرد که ممکن است با مشکل عدم انجام تعهدات روبه‌رو سازد. در نتیجه ضامن و مضمون‌عنه حق رد یا تنفیذ این انتقال را دارد؛ چراکه انتقال قرارداد هدف صرفاً این نیست که دین یا طلب ناشی از عقد منتقل شود، بلکه مقصود جانشینی انتقال گیرنده به عنوان طرف قرارداد است» (Katouzian, 2008) و همان‌گونه که در فصل قبل شرح داده شد در مقررات لایحه جدید برای انتقال ضمانت‌نامه برخلاف مقررات بین‌المللی در این خصوص رضایت ضامن را شرط نمی‌داند در نتیجه مضمون‌عنه و بانک، حق رد این انتقال را نخواهند داشت (Mafi & Farzanegan, 2016). بنابراین یکی از حقوق ذینفع در ضمانت‌نامه، حق انتقال آن است که شرایط و ضوابط آن قبلاً توضیح داده شد.

۳-۲. ضمانت‌خواه یا مضمون‌عنه^۱

آخرین رکن از ارکان ضمانت، مضمون‌عنه است که همان مدیون اصلی می‌باشد و ضامن، به طرفیت از او، پرداخت دین را پذیرفته است. البته، برای اینکه عقد ضمانت، بین ضامن و طلبکار منعقد شود، نیازی به رضایت مدیون اصلی نیست. «ضمانت‌خواه یا مضمون‌عنه همان مدیون اصلی می‌باشد و ضامن، به طرفیت از او، پرداخت دین را پذیرفته است. ضمانت‌نامه‌های مستقل دارای ماهیت قراردادی هستند و تقاضای صدور آن‌ها از جانب متعهد اصلی قرارداد پایه صورت می‌گیرد و برای صدور، قراردادی میان بانک و ضمانت‌خواه منعقد می‌شود و به موجب آن بانک متعهد می‌شود در قبال درخواست کتبی ذی‌نفع مبلغی را به وی بپردازد. پس باید گفت ضمانت‌خواه شخصی است که تعهد یا دینی بر عهده اوست و بانک از او در مقابل شخص دیگر ضمانت می‌کند و ضمانت‌نامه بانکی برای تضمین تعهدی است که متعهد اصلی به موجب قرارداد مبنا در برابر ذی‌نفع دارد» (Ghamami, 1999). مطابق ماده ۲۸۵ لایحه تجارت ۱۴۰۳ «ضمانت‌نامه مستقل باید علاوه بر مهر و امضای صادرکننده مشتمل بر موارد زیر باشد.... هویت و نشانی متقاضی (مضمون‌عنه)». «ضمانت‌خواه یا مشتری بانک بوده و پرونده اعتباری نزد بانک داشته است یا به این صورت که حتی حسابی نزد بانک نداشته و به صورت فوری متقاضی صدور ضمانت‌نامه است در حالت اول که ضمانت‌خواه پرونده اعتباری نزد بانک دارد واریز ۱۰٪ از مبلغ در حساب شخص کفایت می‌کند و باید جهت تنظیم ضمانت‌نامه معادل ۲۰٪ ضمانت‌نامه را به عنوان کارمزد به بانک بپردازد و اما اگر حسابی نزد بانک نداشته باشد با تودیع ۱۰۰٪ مبلغ ضمانت‌نامه، ضمانت‌خواه این اجازه را به بانک داده که مبلغ مذکور در ضمانت‌نامه را به ذی‌نفع بپردازد» (Piroozfar, 2001).

۳. روابط حقوقی افراد ضمانت‌نامه

¹- Order

«روند استفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی به گونه‌ای است که روابط افراد یک اعتبار در آن، قالب حقوقی خاص خود را دارد، که قابل بررسی است، بدین معنا که اقداماتی باید معمول گردد تا یک اعتبار گشایش یابد و شرایطی باید موجود باشد تا امکان استفاده از آن اعتبار برای ذی‌نفع فراهم گردد» (Mazini & Mohajeri Tehrani, 1991)، «در ضمانت‌نامه و به‌طور کلی اعتبارات اسنادی غالباً سه قرارداد مستقل و متمایز از هم وجود دارد که سرنوشت آن‌ها به یکدیگر مربوط می‌باشد و این سه قرارداد با هم مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند» (Akhlaghi, 1989) که به شرح ذیل می‌باشد؛

۱-۳. رابطه بین ضمانت خواه و ذی‌نفع

بانک‌ها می‌توانند در هر مورد که منع قانونی نداشته باشد، نسبت به صدور ضمانت‌نامه اقدام کنند. بنابراین بانک در قبال وثایق ذمه‌ای (برات و سفته) و وثایق عینی (کالا، املاک، اوراق بهادار و...) ضامن می‌شود که اگر مشتری (ضمانت خواه) طبق تعهدات و شرایط ضمانت‌نامه، ایفای تعهد نکرد معادل وجه‌الضمان ذکر شده در ضمانت‌نامه بدون اقامه دلیل و اثبات مدعا به محض اولین مطالبه کتبی یا درخواست ذی‌نفع، آن را در وجه ذی‌نفع ضمانت‌نامه بپردازد. «رابطه بین ضمانت خواه و ذی‌نفع در قرارداد اولیه و پایه که آن را همان قرارداد مبنای صدور می‌نامند، شکل می‌گیرد. طرفین این قرارداد با یکدیگر توافق می‌کنند که در صورت محقق شدن شرایطی خاص ذی‌نفع بتواند وجه ضمانت‌نامه را مطالبه کند، همین مسئله را در اعتبارات اسنادی می‌توانیم مشاهده کنیم» (Mohibbi, 2010)؛ «در توافقی که خریدار و فروشنده در مورد کالا و قیمت آن به عمل می‌آورند مقرر می‌دارند که پرداخت ثمن کالا با استفاده از اعتباری اسنادی انجام پذیرد، این توافق در صورت حجم و یا زیاد بودن مقدار معامله به صورت مکتوب صورت می‌پذیرد و بعد از تنظیم سند پیش فاکتور ذی‌نفع که همان خریدار اصلی است با ارائه آن می‌تواند وجه مندرج در آن را دریافت نماید» (Mohibbi, 2010).

«همین مسئله در ضمانت‌نامه‌های بانکی به گونه‌ای دیگر است، ذی‌نفع با رعایت شرایطی که توضیح داده شده می‌تواند ضمانت‌نامه را به بانک داده و وجه‌الضمان را مطالبه کند، اگر این مطالبه به حق نباشد و یا متقلبانه صورت گیرد، ضمانت خواه با مراجعه به مراجع قضایی می‌تواند احقاق حق کند، همان‌طور که در مباحث آینده این موضوع به تفصیل خواهد آمد. تنظیم ضمانت‌نامه موجب ایجاد دینی جدیدی بر عهده متعهد اصلی نمی‌شود، به این معنا که مثلاً اگر بانک صادرکننده ضمانت از پرداخت وجه‌الضمان خودداری کرد این امکان برای ذی‌نفع ضمانت‌نامه وجود ندارد که این مبلغ را از متعهد قرارداد اصلی یا همان ضمانت خواه مطالبه کند و فقط امکان طرح دعوا برای وی وجود دارد» (Ghamami, 1999).

نکته مهم در صدور ضمانت‌نامه اخذ کارمزد قابل توجه توسط بانک‌ها و بر اساس ضوابط بانک مرکزی است. اما به دلیل تعهد بانک‌ها در پرداخت وجه‌الضمان، ضرورت دارد که هنگام تقاضای مشتری (ضمانت خواه) جهت صدور ضمانت‌نامه، باید بررسی‌های اولیه را به دقت و با وسواس زیاد انجام شود و شناخت قابل قبولی از مشتری داشته باشند تا به این نحو از وارد آمدن هر گونه خسارت به بانک که واسطه وجوه هستند جلوگیری به عمل آید؛ اما در شرایط غیرمعارف اقتصادی و خصوصاً رکود اقتصادی که وثایق و از جمله املاک با قیمت گزاف به فروش نمی‌رسند، ممکن است با هماهنگی بین ضمانت‌خواه و ذی‌نفع ضمانت‌نامه ملکی به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار گیرد که بعدها به علت عدم ایفای تعهدات از جانب ضمانت‌خواه، بانک مجبور می‌شود بنا به درخواست ذی‌نفع ضمانت‌نامه نسبت به پرداخت وجه‌الضمان اقدام کند. در چنین شرایطی همان‌طور که قبلاً اشاره شد باید بدون هیچ گونه شرطی و بر اساس مفاد ضمانت‌نامه به پرداخت وجه‌الضمان اقدام کند.

در این حالت شبیه این است که بانک در قبال پرداخت تسهیلات، وثیقه‌ای در اختیار دارد که به دلیل عدم ایفای تعهدات ضمانت‌خواه، صرفاً می‌تواند با تصرف وثیقه و فروش آن نسبت به وصول طلب خود اقدام قانونی کند. بدیهی است که طی مراحل قانونی فروش املاک بسیار طولانی و زمانبر خواهد بود (اگر در حالت خوش‌بینانه خریداری جهت ملک یافت شود) که موجب خواب سرمایه بانک خواهد شد. اگر چنین اتفاقی در کار رخ دهد دارایی‌های غیرمعقول بانک افزایش خواهد یافت و موجب عدم رعایت استانداردهای لازم می‌شود. در قانون پولی و بانکی کشور، لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها و قانون عملیات بانکی بدون ربا، امر نظارت در کلیه امور بانکی به‌طور اهم و در امر تسهیلات به‌طور اخص، تاکید شده است. در این راستا سه نوع نظارت پیش‌بینی شده است: ۱- نظارت هنگام بررسی تقاضا و تخصیص منابع ۲- نظارت بر نحوه مصرف منابع ۳- نظارت بر بازگشت منابع. به نظر می‌رسد به‌منظور اینکه در هنگام صدور ضمانت‌نامه بتوان از خسارت آتی جلوگیری شود، لازم است بانک‌ها با دقت و حساسیت ویژه‌ای نسبت به بررسی تقاضا و واقعی بودن درخواست صدور ضمانت‌نامه (صحت عملکرد ضمانت‌خواه و ذی نفع ضمانت‌نامه) اطمینان حاصل کنند و نقش واسطه و جوه بودن را همواره به یاد داشته باشند.

۲-۳. رابطه بانک صادرکننده و ضمانت‌خواه (متقاضی)

ضمانت‌نامه بانکی سندی که به درخواست ضمانت‌خواه (متقاضی) و پس از انعقاد قرارداد با وی، توسط بانک صادر می‌شود و به موجب آن بانک متعهد می‌شود به محض اعلام و مطالبه ذینفع، طبق متن ضمانت‌نامه، وجه آن را به وی پرداخت نماید. در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی نقش ضمانت‌نامه‌های بانکی در تسهیل امور اقتصادی و مالی بسیار مهم بوده و صدور این ضمانت‌نامه‌ها در جذب مشتریان وفادار و اشخاصی که حجم زیادی از نقدینگی را به بانک می‌آورند، اساسی است. «نتیجه مذاکرات و انعقاد قرارداد پایه، در قرارداد مستقل دیگری که بین ضمانت‌خواه و بانک منعقد می‌شود، متبلور گردیده و ضمانت‌نامه‌ای مستقل از قرارداد پایه را تشکیل داده است که طی آن بانک متعهد پرداخت مبلغی در وجه ذی نفع می‌گردد. به موجب این قرارداد طرفین در مقابل یکدیگر تعهداتی را بر عهده می‌گیرند، به‌طوری‌که ضمانت‌خواه، براساس توافق حاصله با بانک، متعهد به پرداخت وجه اعتبار و کارمزد و سایر هزینه‌های که بانک اعلام می‌نماید می‌گردد و بانک هم در مقابل با افتتاح اعتبار متعهد به پرداخت وجه به ذی نفع براساس رعایت شرایط خاص مندرج در ضمانت‌نامه می‌شود. ضمانت‌نامه به تقاضای ضمانت‌خواه صادر می‌شود، یعنی ضمانت‌خواه که متعهد قرارداد پایه است، در صورتی که بانک از پرداخت ضمانت‌نامه بعد از مطالبه خودداری کند، آن هم مطالبه‌ای که شرایط پرداخت و شرایط مقرر را داشته باشد، ضمانت‌خواه می‌تواند الزام بانک به پرداخت وجه ضمان را خواستار شود، زیرا بانک متعهد به پرداخت‌شده و هزینه‌های لازمه آن را گرفته است و این عدم پرداخت به‌منزله نادیده گرفتن تعهد فی‌مابین بانک و ضمانت‌خواه است» (Ghamami, 1999).

مطابق ماده ۲۸۹ لایحه تجارت ۱۴۰۳: «به محض اینکه ضمانت‌نامه مستقل به متقاضی یا نماینده وی تسلیم شد، صادرشده محسوب می‌شود، مگر آنکه در ضمانت‌نامه به نحو دیگری توافق شود. ارسال ضمانت‌نامه برای متقاضی یا نماینده وی در حکم تسلیم است». بر اساس تبصره ماده ۲۹۰ لایحه تجارت ۱۴۰۳: «به جز درج تاریخ یا قید گذشت زمان معین، ضمانت‌نامه نباید حاوی شرطی باشد که نتوان برای احراز تحقق آن شرط، مدرکی ارائه کرد. در صورت وجود چنین شرطی یا در مواردی که مدرک احراز شرط معین نشده باشد و سوابق موجود نزد ضامن نیز نتواند تحقق شرط را اثبات نماید، ضامن باید بدون توجه به آن شرط وجه را پرداخت کند. همچنین پرداخت ضمانت‌نامه نباید منوط به ارائه مدرکی شود که متقاضی صادرکننده انحصاری آن است». همچنین هر یک از ذینفع و متقاضی می‌تواند با رعایت شرایطی که عندالافتضا برای تغییر ضمانت‌نامه پیش‌بینی شده است تغییر آن را تقاضا کند. در این صورت ضامن مکلف است درخواست تغییر را برای طرف دیگر

ارسال کرده و موافقت کتبی وی را درخواست کند. در صورت موافقت کتبی ذینفع یا متقاضی، از لحظه صدور اصلاحیه وفق ماده (۲۸۹) این قانون، ضمانت‌نامه اصلاح‌شده تلقی می‌شود، مگر آنکه در متن موافقت‌نامه به نحو دیگری توافق گردد. چنانچه ذینفع یا متقاضی در گذشته و به‌صورت کتبی با اصلاحیه موافقت نکرده باشد، از لحظه‌ای که صادرکننده ضمانت‌نامه اعلامیه پذیرش اصلاحیه به‌وسیله ذینفع یا متقاضی را دریافت می‌کند، ضمانت‌نامه اصلاح‌شده تلقی می‌شود، مگر آنکه برخلاف آن توافق شده باشد.

۳-۳. رابطه بانک صادرکننده و ذی‌نفع

ذی‌نفع ضمانت‌نامه همان شخصی است که نام او در ضمانت‌نامه قیدشده است و طی ضمانت‌نامه بانک متعهد شده است که مبلغ مذکور در سند را به او بپردازد. ذینفع ضمانت‌نامه عندالمطالبه و غیر مشروط می‌تواند بدون اینکه نیازی به اعلام تخلف درخواست‌کننده ضمانت یا اثبات آن داشته باشد وجه ضمانت‌نامه را مطالبه نماید. پس توجه داشته باشید که مطالبه وجه ضمانت‌نامه عندالمطالبه فی‌نفسه می‌تواند به این معنا باشد که درخواست‌کننده ضمانت‌نامه واقعا تخلف نموده است. البته درخواست‌کننده این امکان را خواهد داشت که پس از پرداخت وجه به بانک یا موسسه اعتباری در خصوص عدم ذی‌حقی ذینفع ضمانت‌نامه و مبتنی بر رابطه پایه بین طرفین طرح دعوا کند. مطابق ماده ۳۰۱ لایحه تجارت ۱۴۰۳ «صادرکننده باید تقاضای پرداخت ذینفع و اسناد ضمیمه آن را بررسی کند و در حدود عرف، اصالت اصل سند و اسناد ضمیمه آن و مطابقت آن‌ها با اسناد ذکرشده در ضمانت‌نامه را در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌المللی را حداکثر تا یک ماه از تاریخ درخواست پرداخت، احراز و تعهد خود را ایفا کند، ایفای تعهد با تأدیه مبلغ مندرج در ضمانت‌نامه محقق می‌شود و ممکن است، حسب دستور ذینفع، از طریق صدور حواله، قبول و پرداخت برات یا امثال آن انجام گیرد». چنانچه ضمانت‌نامه متضمن شرطی دال بر ارائه اسناد و مردار نباشد، در صورت مطالبه وجه ضمانت‌نامه توسط ذینفع، صادرکننده موظف است پس از وصول درخواست مطالبه، تا چهل‌وهشت ساعت مبلغ ضمانت‌نامه را به ذینفع پرداخت نماید. صادرکننده مکلف است به‌محض تقاضای پرداخت ضمانت‌نامه از سوی ذی‌نفع این موضوع را به‌موجب اخطار به اطلاع متقاضی و ضامن متقابل در صورت وجود برساند. چنانچه مطالبه مبلغ به ارائه اسنادی منوط شود و صادرکننده اسناد ارائه‌شده را با اسناد ذکرشده در ضمانت‌نامه مغایر تشخیص دهد، باید ظرف مدت سه روز مراتب را همراه دلایل رد به‌صورت کتبی به اطلاع ذینفع برساند. صادرکننده باید به تقاضای ذینفع اصل اسناد را مسترد کند.

۴. آثار ضمانت‌نامه‌های مستقل بانکی در قلمرو افراد ضمانت‌نامه

در این مبحث تلاش شده آثار ضمانت‌نامه‌های مستقل بانکی در قلمرو افراد ضمانت‌نامه موردبررسی قرار گیرد.

۴-۱. اثر ضمانت‌نامه در فی‌مابین بانک و ذی‌نفع

به‌طورمعمول بین بانک و ذینفع در ابتدا رابطه مستقیمی ایجاد نمی‌شود. «ضمانت‌نامه را ذینفع از مضمون عنه مطالبه می‌نماید و روابط قراردادی بین مضمون عنه و بانک منتهی به صدور ضمانت‌نامه گردیده و مضمون عنه آن را به مضمون له تسلیم و ارائه می‌نماید. مضمون له ذینفع ضمانت‌نامه است و در انتهای مدت ضمانت‌نامه یا بایستی تقاضا تمدید آن را بنماید یا اینکه با توجه به مفاد قرارداد خود با مضمون عنه، وجه آن را مطالبه کند. و در صورت عدم تحقق یکی از فروض یاد شده، ضمانت‌نامه باطل گردیده و رابطه بانک و ذینفع پایان می‌پذیرد. اصل استقلال ضمانت‌نامه بانکی از قرارداد اصلی و پایه در روابط بین ذینفع و بانک حکم‌فرماست و بانک بنا به دلایلی که مربوط به قرارداد پایه و اصلی می‌باشد و با استناد به ایراداتی که از قرارداد مزبور نشات می‌گیرد نمی‌تواند از پرداخت وجه ضمانت‌نامه خودداری ورزد» (پیروز فر، ۱۳۸۰: ۳۸). «علی‌الحصول بانک در رابطه بین ذینفع و مضمون عنه یک ضامن بی‌طرف است. بنابراین به‌محض حصول شرایط مقرر در ضمانت‌نامه

و رعایت مواد مندرج در آن و اعلام مراتب از طرف ذینفع و احیاناً ارائه اسناد و مدارک اشاره شده در متن ضمانت‌نامه بایستی مبادرت به پرداخت وجه ضمانت‌نامه نماید و اگر به هر دلیلی بانک از پرداخت وجه ضمانت‌نامه خودداری ورزد و یا در مواردی که مضمون عهده با تحصیل دستور موقت پرداخت وجه ضمانت‌نامه توسط بانک را ممنوع ساخته باشد و بانک به همین استناد از پرداخت وجه ضمانت‌نامه خودداری ورزد» (Masoudi, 2003b). ذینفع می‌تواند برای مطالبه وجه ضمانت‌نامه به دادگاه مراجعه نماید.

۴-۲. اثر ضمانت‌نامه در رابطه بانک صادرکننده و ضمانت خواه

پس از اینکه قرارداد و رابطه اصلی و پایه شکل گرفت (یا همزمان با آن) و در اجرای تعهدات ناشی از آن، ضمانت خواه به بانکی در محل اقامت خود رجوع کرده و صدور ضمانت نامه‌ای را مطابق شرایط مورد نظر، درخواست می‌کند. بانک در صورت وجود شرایط قانونی، با انعقاد قراردادی، تقاضای وی را اجابت می‌کند. قراردادی که منعقد می‌شود، حاوی تعهداتی برای طرفین قرارداد به شرح زیر می‌باشد: الف) بانک متعهد است که در صورت تقاضای ذینفع و با حصول شرایط مقرر در ضمانت‌نامه، مبلغ مندرج در ضمانت نامه را به وی بپردازد. ب) ضمانت خواه، در مقابل، متعهد به انجام پرداخت‌های زیر است: ۱. پرداخت کارمزد صدور ضمانت نامه که معادل درصدی از مبلغ ضمانت نامه است. ۲. پوشش پرداخت‌های بانک، در صورتی که بانک مبلغ ضمانت نامه را به ذینفع بپردازد. در واقع، مطابق این تعهد، در صورت مطالبه وجه توسط ذینفع، ضمانت خواه بایستی مبالغ پرداختی توسط بانک را به وی بازپرداخت کند. ۳. تعهد به سپردن وثیقه جهت تضمین تعهد بند ۲ و همچنین تعهد به پرداخت وجه التزام (خسارت تاخیر) در صورت تاخیر در پوشش پرداخت‌های بانک. دستورالعمل ناظر بر ضمانت‌نامه بانکی (ریالی) مصوب ۹۳/۲/۹ شورای پول و اعتبار در مواد ۲ تا ۵ خود برای صدور ضمانت‌نامه شرایطی همچون، اعتبار سنجی، نداشتن سابقه چک برگشتی و اخذ وثایق کافی از ضمانت خواه را ضروری دانسته است. «رابطه اصلی که در واقع ضمانت‌نامه را ایجاد کرده و پدید می‌آورد رابطه حقوقی و قراردادی بین بانک ضامن و ضمانت خواه است. همان‌گونه که اشاره شد ضمانت خواه به دلیل نیازی که به تحصیل و ارائه ضمانت‌نامه به خاطر و بر مبنای قراردادی که با مضمون له منعقد نموده دارد به بانک مراجعه و تقاضای صدور ضمانت‌نامه‌ای به نفع مضمون له می‌نماید. بانک بر اساس روابط بانکی قبلی خود با ضمانت خواه (به دلیل اینکه ضمانت خواه معمولاً به بانکی برای تحصیل ضمانت‌نامه مراجعه می‌کند که امور بانکی وی در آن بانک متمرکز است و در واقع مشتری آن بانک است) و با توجه به ضوابط و مقررات خود و پس از اخذ وثیقه معتبر و قابل قبول مبادرت به صدور ضمانت‌نامه‌ای می‌نماید که بر اساس آن و تا سقف مبلغ مشخص شده در آن تعهد غیرقابل برگشتی را به عهده می‌گیرد در ضمانت‌نامه بانکی بانک معمولاً دین ضمانت خواه را به عهده نمی‌گیرد بلکه در مقابل مضمون له تعهد می‌نماید که بسیار عام‌تر و فراتر از دین (به مفهومی که در عقد ضمان استعمال می‌شود است. ارائه تعهد موضوع ضمانت‌نامه صادره توسط بانک، تبرعی و مجانی نیست بلکه بانک در راستای فعالیت‌های تجاری و بانکی خود، با صدور ضمانت‌نامه مبادرت به محاسبه و دریافت کارمزد خود و بر مبنای مبلغ مندرج در آن) از ضمانت خواه می‌نماید در این زمینه بانک با ضمانت خواه مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کند که در آن روابط قراردادی طرفین و حقوق و تعهدات هر یک تشریح و بیان می‌گردد» (Faqihi, 2010). ضمن این قرارداد ضمانت خواه مبادرت به ارائه وثیقه قابل قبول به بانک نموده و تعهد به پرداخت کارمزد متعلقه می‌نماید و در مقابل بانک نیز تعهد و تضمین می‌نماید که حسب مفاد ضمانت‌نامه و با حصول شرایط مقرر در آن تا سقف مبلغ مندرج در ضمانت‌نامه را با مطالبه مضمون له به وی بپردازد.

۴-۳. اثر ضمانت‌نامه بر ثالث

گاهی این امکان وجود دارد که طرفین ضمانت‌نامه گواهی شخص ثالثی را دال بر استحقاق ذی‌نفع یا تأثیر تخلف ضمانت خواه از اصل قرارداد بدانند، این شخص ثالث هرکسی می‌تواند باشد، مثل ناظر پروژه و یا در خصوص ضمانت‌نامه‌های پیش‌پرداخت گواهی بانک گشایشگر اعتبار اسنادی تجاری، مبنی بر عدم ارسال کالا از سوی اصیل باشد، شرط مذکور به دو صورت در متن ضمانت‌نامه‌ها آورده می‌شود: «یکی به این صورت که ذی‌نفع جهت مطالبه وجه ضمانت‌نامه سند یا گواهی ارائه دهد و دیگر اینکه شرط پرداخت وجه براساس اولین مطالبه کتبی ذی‌نفع باشد مع الوصف مهلتی برای ضمانت خواه قرار داده می‌شود که در صورت ناروا بودن مطالبه، اسنادی را به بانک ارائه دهد که دال بر اجرای تعهدات ناشی از قراردادش باشد و در صورتی که بتواند اثبات کند که مطالبه بی‌جهت بوده است بانک درخواست ذی‌نفع را رد می‌کند» (Shahbazinia, 2007).

این ضمانت‌نامه نسبت به دو ضمانت‌نامه دیگر ذکرشده از مزایای برخوردار است، که منافع ضمانت خواه را بیشتر تأمین می‌کند و راه‌های سوءاستفاده را بسته نگه می‌دارد که البته همین محاسن برای ضمانت خواه، عیب محسوب می‌شود. باعث می‌شود مطلوبیت این ضمانت‌نامه را برای ذی‌نفع کاهش دهد و اما از نقطه نظر بانک، باید گفته شود به علت دشوار بودن کنترل اسناد مذکور بانک‌ها تمایلی به صدور چنین ضمانت‌نامه‌هایی ندارند.

«قرارداد پایه و اصلی که بر مبنای آن و برای تضمین تعهدات مندرج در آن، ضمانت‌نامه صادر می‌گردد. بین مضمون له و ضمانت خواه منعقد می‌گردد. حیات و ممات ضمانت‌نامه به این قرارداد بستگی دارد. و همه چیز در گرو شرایط ویژه مندرج در آن است. بانک در رابطه قراردادی بین این دو بنوعی ثالث تلقی می‌گردد. ثالثی که حسن اجرای بخشی از قرارداد را تضمین و تعهد نموده و یا به نحوی تعهدات قراردادی ضمانت خواه را تعیین نموده است. همان‌گونه که دیدیم به عقیده برخی که اصل استقلال ضمانت‌نامه را در رابطه بین ضامن و مضمون له به طور مطلق می‌پذیرند. اصل عدم توجه به ایرادات ناشی از قرارداد اصلی و پایه در این رابطه حکم فرماست ولی صرف نظر از این عقیده که پذیرش مطلق آن با توجه به ماهیت ضمانت‌نامه‌های بانکی مقرون به صواب نمی‌باشد، با توجه به وصف تبعی و فرعی بودن ضمانت‌نامه نسبت به قرارداد اصلی و پایه کلیه اوصاف و عوارض و آثار ناشی از این قرارداد نسبت به ضمانت‌نامه بانکی سرایت داشته و در این مورد نیز قابل استناد است چراکه دین و تعهد از این قرارداد ناشی می‌شود و ضمانت‌نامه نیز برای تضمین همین دین و یا تعهد ایجاد گردیده و صادر می‌شود و طبیعی است. که هرگونه تغییر و یا دگرگونی و یا انحلال دین و تعهد مبنای صدور ضمانت‌نامه، وضع ضمانت‌نامه را دگرگون می‌سازد. منتهی این تأثیر فقط در هنگامی امکان‌پذیر است که موضوع توسط دادگاه رسیدگی و منتهی به صدور حکم شده باشد» (Soltani, 2011).

«در رابطه قراردادی بین مضمون له و ضمانت خواه، مضمون له از ضمانت خواه تقاضای ارائه ضمانت‌نامه بانکی بابت تضمین اجرای تمام یا بخشی از مفاد قرارداد را می‌نماید و ضمانت خواه نیز با مراجعه به بانک ضامن چنین ضمانت‌نامه‌ای را تحصیل و ارائه می‌نماید در صورتی که ضمانت خواه در اجرای مفاد قرارداد منعقد با مضمون له قصور ورزد و یا به هر ترتیب دیگر شرایط و ضوابط مقرر در متن ضمانت‌نامه جهت مطالبه وجه ضمانت‌نامه حاصل و جمع شود. مضمون له می‌تواند از بانک ضامن درخواست نماید که وجه ضمانت‌نامه را به وی بپردازد. در این زمینه اگر ضمانت خواه نیز با مضمون له در مطالبه وجه ضمانت‌نامه هم عقیده باشد، روابط طرفین ناشی از ضمانت‌نامه پایان می‌یابد ولی در صورتی که ضمانت خواه قائل به استحقاق مضمون له در مطالبه و دریافت وجه ضمانت‌نامه نباشد و یا اینکه وجه را متقبلانه بداند می‌تواند قبل از دریافت مبلغ ضمانت‌نامه با تحصیل دستور موقت دایر به منع بانک از پرداخت وجه آن و پس از دریافت وجه با اقامه دعوی در ماهیت،

مبادرت به مطالبه و استرداد مبلغ ضمانت‌نامه از مضمون له نماید و طبیعی است که بیشترین دعاوی ناشی از ضمانت‌نامه نیز در همین رابطه اجرا می‌شود» (Masoudi, 2003b). می‌توان گفت که اصل استقلال ضمانت‌نامه از قرارداد اصلی و پایه فقط در رابطه بین بانک و مضمون له حاکم است. در رابطه بین ضمانت خواه و مضمون له چنین اصلی حاکم نبوده در نتیجه ضمانت خواه می‌تواند به تمامی ایراداتی که از قرارداد مبنای صدور ضمانت‌نامه نشأت می‌گیرد استناد جسته و با توجه به آن‌ها، حق ذینفع دایر به مطالبه وجه ضمانت‌نامه را منکر گردد.

نتیجه‌گیری

ضمانت مستقل قراردادی است که به موجب آن شخصی (ضامن) به درخواست دیگری (مضمون عنه) پرداخت مبلغ معینی به شخص ثالث (مضمون له) را با رعایت شرایط مقرر در قرارداد و مستقل از رابطه مبنایی بین مضمون عنه و مضمون له بر عهده می‌گیرد. سند حاکی از قرارداد ضمانت مستقل، ضمانت‌نامه مستقل نامیده می‌شود. گرچه ضمانت تاریخی‌چاهی به قدمت تجارت دارد، اما ضمانت‌نامه‌ی مستقل نهادی است نوین و زاینده‌ی تحولات نوین تجاری. بنابراین ماهیت و احکام ضمانت‌نامه مستقل را نمی‌توان در ضمانت مذکور در قانون مدنی جست و توجیه کرد. با دیگر نهادهای حقوق مدنی نیز ضمانت‌نامه‌ی مستقل قابل مقایسه نیست. تحلیل ماهیت حقوقی آن با تمسک به نهادهای حقوقی موجود مانند عقد ضمان امکان‌پذیر نبوده و باید آن را مشمول مقررات ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی دانست. زیرا ضمانت مستقل با توجه به مقتضیات تجارت و نیاز جامعه ایجاد گردیده و یک قرارداد تجاری می‌باشد که اعتبار خود را از قواعد و رویه‌های بین‌المللی کسب می‌نماید و با قواعد حقوقی و اخلاق حسنه مغایرتی ندارد در نتیجه نافذ و معتبر است. البته با تصویب لایحه قانون تجارت، اعتباری قانونی برای این نهاد جدید در حقوق ایران ایجاد شد. مهم‌ترین اثر ضمانت‌نامه در رابطه‌ی بین ضامن و ذینفع، بحث مطالبه از سوی ذینفع و پرداخت از طرف ضامن می‌باشد. ذینفع باید با حسن نیت پس از به وجود آمدن شرایط مطالبه‌ی ضمانت‌نامه در موعد مقرر و تا قبل از پایان مدت انقضای سند آن را از ضامن (بانک) مطالبه نماید، ضامن نیز موظف به بررسی مطابقت عرفی اسناد در مدت‌زمان معین ذکرشده در این مقرر (در روابط داخلی حداکثر تا یک هفته و در روابط بین‌الملل حداکثر تا یک ماه آر تاریخ درخواست پرداخت) و سپس در صورتی که تطابق آن با شرایط مذکور در ضمانت‌نامه موظف به پرداخت مبلغ آن به ذینفع می‌باشد و چنانچه مغایرتی بین اسناد ارائه‌شده با اسناد ذکرشده در سند ضمانت‌نامه تشخیص دهد باید اصل آن را به همراه دلیل رد به ذینفع مسترد کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The independent commercial guarantee, a product of modern international commerce, has become an essential legal and financial instrument aimed at ensuring the execution of obligations within complex business transactions. Unlike traditional guarantees, its defining feature lies in its autonomy from the underlying contractual relationship between the principal debtor and the creditor. This fundamental autonomy raises intricate jurisprudential and legal debates about its

nature and governing rules, particularly in jurisdictions with codified civil law traditions such as Iran. Historically, legal instruments like guarantees were understood through the lens of civil code contracts, yet the independent guarantee's unique structure has necessitated re-evaluation. Legal scholars have questioned whether it should be treated as a contract ('aqd), a unilateral declaration (īqā'), or a sui generis agreement under Article 10 of Iran's Civil Code. The differing opinions stem from a lack of codified guidance and the evolution of this instrument outside traditional jurisprudential frameworks. Some scholars argue that this form of guarantee is contractual in essence, yet distinguished by its non-nominate nature, thus relying on general principles such as the autonomy of will and the permissibility of agreements not expressly forbidden by law (Mostafavi & Afsharnia, 2011; Shahbazinia, 2004). This interpretative approach situates the independent guarantee within the scope of Article 10, embracing its contractual essence while acknowledging its divergence from classic civil law contracts like those outlined in Articles 689 and 699 of the Iranian Civil Code (Ghamami, 1999).

A central challenge in analyzing independent guarantees is understanding the nature of legal relationships between the three main parties: the guarantor (typically a bank), the beneficiary, and the applicant or principal debtor. The independence principle dictates that the guarantor's obligation exists separately and is not subject to defenses arising from the primary contract's disputes. In this context, the bank's liability becomes immediate and irrevocable upon presentation of a complying demand, regardless of underlying contract breaches. This contrasts sharply with the dependent guarantees regulated by Iran's Civil Code, where the surety's obligation is contingent upon the principal debtor's default and is thus ancillary. Legal scholars contend that the independent guarantee establishes a direct and original obligation for the bank, one not derivative of the debtor's responsibilities (Shahbazinia, 2001, 2004). Indeed, in jurisdictions like Belgium and Germany, courts have recognized this obligation as a unilateral commitment or, alternatively, a contract formed through offer and implicit acceptance (Kashani, 1991; Masoudi, 2003b). Iranian doctrine, influenced by such comparative insights, is evolving toward a hybrid understanding that incorporates both unilateral and contractual elements, often leaning on commercial practice and international uniform rules such as URDG (Uniform Rules for Demand Guarantees).

In exploring the identity and roles of the involved parties, the study highlights that the guarantor is a legally competent entity—usually a bank—that assumes financial liability independent of the applicant's performance. The applicant, or principal debtor, initiates the issuance process and bears the obligation to reimburse the guarantor upon payment. The beneficiary, meanwhile, is entitled to demand payment under the conditions stipulated in the guarantee, irrespective of the primary contract's status. This tripartite relationship forms a network of interdependent yet legally distinct engagements. The Iranian Commercial Bill of 2024 (Lāyeḥe-ye Tijārat), particularly Article 281, codifies this by defining the independent guarantee as a contractual arrangement wherein the guarantor pledges to pay a specific amount to the beneficiary upon request, detached from the principal obligation (Masoudi, 2003a). Moreover, the law allows for counter-guarantees, where the applicant secures a second guarantee to indemnify the bank, indicating a layered structure of risk management. It is important to note that the beneficiary's ability to transfer the guarantee is conditioned upon explicit provisions, and even then, consent from the bank and applicant may be necessary (Katouzian, 2008; Mafi & Farzanegan, 2016).

From a jurisprudential standpoint, attempts to classify independent guarantees under Islamic legal frameworks have sparked considerable debate. Traditional Islamic jurisprudence, as interpreted by classical scholars, generally understands guarantees (ḍamān) as transferring liability from the debtor

to the guarantor, effectively extinguishing the debtor's obligation. This model, however, proves incompatible with the modern independent guarantee, which neither discharges the principal debtor nor necessitates their default as a precondition for enforcement (Jabbai Ameli, 1991; Sabit, 2002). Scholars such as Imam Khomeini have characterized legal constructs like "dhimma" (liability) as storage vessels for obligations, allowing for flexibility in interpreting novel institutions (Mousavi Khomeini, 2020; Mousavi Sabzevari, 1994). This conceptual elasticity supports the view that guarantees of an independent nature may be accommodated within Islamic jurisprudence as long as they conform to principles of fairness and mutual consent. The absence of gharar (excessive uncertainty) and the presence of a clear, enforceable obligation bolster the validity of such guarantees under Islamic contract law. Ultimately, it appears that a synthetic model—drawing upon both Islamic principles and comparative civil law doctrine—may offer the most coherent framework for understanding and regulating independent guarantees in Iran (Shahbazinia & Tafreshi, 2003).

Turning to the practical and regulatory dimensions, the issuance and enforcement of independent guarantees necessitate a thorough examination of procedural norms, banking standards, and judicial oversight. Banks, acting as guarantors, must perform due diligence on applicants, secure adequate collateral, and charge commensurate fees. Furthermore, they must respond promptly and objectively to demand notices from beneficiaries, ensuring that conditions stated in the guarantee are met. The Iranian Commercial Bill provides detailed provisions governing the content, duration, and revocability of such instruments, setting timelines for response and mandating transparency in communication between parties. For instance, under Article 301, banks must assess documents within one week domestically and within a month for international claims. Should a discrepancy arise, the bank must inform the beneficiary within three days and return the documents (Masoudi, 2003b). These rules aim to align Iranian practice with international norms and reduce transactional risks. The document also explores legal recourses available to applicants who allege fraudulent or abusive calls on guarantees. In such cases, courts may issue injunctions to halt payments, though this remains a contested and cautious approach given the primacy of the guarantee's autonomy.

Finally, the extended impact of independent guarantees on third parties, particularly in multi-tiered contractual arrangements, introduces additional legal complexity. Third-party certification, such as a project engineer's attestation of default or completion, may trigger or block payment depending on the guarantee's terms. While such mechanisms can enhance trust and objectivity, they also risk introducing procedural delays and ambiguity. Iranian law currently does not fully address the implications of third-party involvement, though judicial precedent and commercial custom suggest a cautious acceptance. Scholars caution that such dependencies may erode the independence principle unless clearly framed and narrowly applied (Shahbazinia, 2007; Soltani, 2011). Furthermore, the role of independent guarantees in dispute resolution underscores their strategic value: they offer immediate liquidity to the beneficiary while preserving the applicant's right to contest unjustified demands through litigation. This duality—of unconditional payment and deferred justice—reflects the guarantee's functional importance as both a commercial instrument and a legal safeguard. It is evident that, despite their contractual independence, these guarantees are not isolated from broader contractual dynamics and are influenced by both statutory law and equitable considerations embedded within Iranian and international legal traditions.

In conclusion, the independent commercial guarantee represents a unique intersection of contract law, banking practice, and international commerce. Its autonomy from the underlying transaction allows it to function as a reliable financial tool, facilitating trust and performance in commercial dealings. However, this autonomy also requires a nuanced understanding of legal relationships,

regulatory frameworks, and jurisprudential interpretations. The Iranian legal system, through the recent Commercial Bill, has taken significant steps to codify the principles governing these guarantees, aligning domestic practice with global standards. Yet, doctrinal clarity and judicial consistency remain crucial to ensure that these instruments fulfill their intended purpose while safeguarding the rights and obligations of all parties involved.

References

- Akhlaghi, B. (1989). A discussion on bank guarantees. *Bar Association Journal*, 65(149-148), 151-188.
- Faqihi, M. H. (2010). *Bank guarantees*. Tehran: Sina Bank Public Relations Publishing.
- Ghamami, M. (1999). A discussion on the rules governing bank guarantees. *Tehran University, Faculty of Law and Political Science Journal*, 44(816), 123-148.
- Jabbai Ameli, Z. A. (1991). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 4). Qom: Da'vari Publishing.
- Kashani, M. (1991). *Civil law notes - Collateral for debts*. Tehran: Shahid Beheshti University Law Faculty Publishing.
- Katouzian, N. (2008). *Civil law: Lessons from specific contracts (Introductory course)* (Vol. 2). Tehran: Ganj Danesh Library Publishing.
- Mafi, H., & Farzanegan, M. (2016). Unconditional payment of bank guarantees from the perspective of the principle of independence from the underlying contract. *Private Law Research Journal*, 5(17), 133-158.
- Masoudi, A. (2003a). *Bank guarantees in Iranian law and international trade*. Tehran: Institute for Legal Studies and Research.
- Masoudi, A. (2003b). The legal nature of bank guarantees in Iran. *Legal Research Journal*, 2(4), 155-188.
- Mazini, M., & Mohajeri Tehrani, M. H. (1991). *International banking operations*. Tehran: Iranian Banking Institute - Central Bank of the Islamic Republic of Iran.
- Mohaghegh Karki, A. H. (2008). *Jami' al-Maqasid* (Vol. 5). Qom: Al-Bayt (A) Institute Publishing.
- Mohibbi, M. (2010). *Legal aspects of bank credits according to uniform regulations and Iranian law*. Tehran: International Legal Services Library.
- Montazeri, H. A. (1994). *Diraasat fi al-Makasib al-Muharramah* (Vol. 1). Qom: Tafakkur Publishing.
- Mostafavi, S. M., & Afsharnia, T. (2011). *Joint liability (multiple debtors for a single debt)*. Tehran: Imam Sadiq University Publishing.
- Mousavi Bojnordi, S. M., & Moqaddai, F. (2013). The concept of liability in the view of Imamiah jurisprudence with a focus on the opinions of Imam Khomeini (RA). *Matin Research Journal*, 15(59), 1-32.
- Mousavi Khomeini, S. R. (2020). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Qom: Dar al-Ilm Publishing Institute.
- Mousavi Sabzevari, S. A. (1994). *Muhtahab al-Ahkam fi Bayān Halāl wa Haram* (Vol. 20 & 21). Qom: Dar al-Tafsir.
- Nazafatian, A. (1990). The beneficiary in bank guarantees. *Bar Association Journal*, 68(153-152), 83-114.
- Piroozfar, A. (2001). Bank guarantees. *Bank and Economy Journal*, 5(16), 38-42.
- Sabit, S. A. (2002). Subject classification of debt sale. *Quarterly Journal of Ahl al-Bayt Jurisprudence*, 8(31), 138-208.
- Shahbazinia, M. (2001). *International bank guarantees* (Doctoral dissertation, supervised by Ghodarz Aftakhari Jahrami, Tehran, Faculty of Law, Tarbiat Modares University)].
- Shahbazinia, M. (2004). The legal nature of international bank guarantees and its comparison with traditional institutions. *Mofid Letter*, 10(43), 111-140.
- Shahbazinia, M. (2007). Transfer and endorsement of independent bank guarantees. *Humanities Quarterly*, 2(51), 107-126.
- Shahbazinia, M., & Tafreshi, M. E. (2003). The independence of bank guarantees and its effects on international trade. *Mofid Letter*, 9(37), 5-24.
- Soltani, M. (2011). *Banking law*. Tehran: Mizan.
- Ziaei, M. A., & Moieni Far, M. (2013). An analysis of the jurisprudential and legal nature of bank guarantees. *Islamic Economy Journal*, 13(51), 121-144.